



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۳۱

عبدالقیوم میرزاده

## ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت دوازدهم)

### کشاورزان و دامداران کشور

از دهقانان و مال داران بگویم، دهقانان و روستا نشینان بیشترین رقم از باشندگان این سرزمین را تشکیل میدهند. ارتقا و نزول اقتصاد کشور و رفاهیت مردم هم شدیداً به این قشر وابسته است. مگر با تأسف کشاورزان و روستا نشینان ما تا کنون هم به نحوه قرون وسطایی به زنده گی و زراعت مشغول اند. از این وضع چنین استنباط میگردد که این قشر کمتر احساس مسولیت نسبت به زنده گی خود و وضعیت کشور داشته اند، در کشور ما افغانستان بیشترین قشر کشاورزان بیسواد و یا کم سواد بوده از کمترین آگاهی در باره زنده گی و حرفه خویش یعنی کشاورزی برخوردار اند و دارای زنده گی بسیار بدوی بوده و از کمترین تسهیلات رفاهی برخوردار میباشند و همیشه به بالا نگرسته که مشکل شان از غیب آسان گردد. کشاورزان ما به این باور نرسیده اند و هیچگاهی هم به این نیاندیشیده که انسانها خود شان نقش اساسی را در خوشبختی و بد بختی خویش دارند، این خودش است که زنده گی اش را دگرگون ساخته و هر چه بکارد میرود. اگر آنها به این می اندیشیدند که چطور میتوان کیفیت و کمیت حاصل را بالا برد و همه مردم کشور در گام نخست به چه نیازمند اند، مراتع و چراگاه های حیوانات از چه اهمیت بسزایی برخوردار اند و در سایر کشور ها دهقانان و مال داران چه تجارب جدید آموخته اند، و منافع همگانی در همه شرایط برایشان حایز اهمیت میبود. برای دهقانان ما بایبست حیاتی ترین سوال همین مطرح میبود که او با این همه وسعت زمین قابل کشت تنها شکم خود را سیر کرده نمیتواند در حالیکه کشاورز یک کشور پیشرفته با تولید زراعتی در پهنای معادل یک بر دهم زمین کشاورز افغان هم خود از رفاهیت تمام برخوردار است و هم محصولات اش به خارج صادر میگردد. اگر دهقان ما برای بهبود زنده گی اش می اندیشید و این آگاهی را میداشت که او در برابر همه مردم کشورش مسول تهیه رزق میباشد در این سرزمین پهناور با این دریاها و خروشان چون آمو- کوکچه- مرغاب- ارغنداب- هیرمند- فراه رود- هریرود- خاشرود- اولنگ- پنجشیر- کابل- بلخاب- برتنگ- پنجرود- سفیدرود- تگاب- ترناک- تخار- علیشنگ- علینگار- شیرین تگاب- سرستونی- کندز- نیزنگ- گند- گر لوره و غیره دریا های خروشان و آب فراوان نه تنها در داخل کشور هیچ گرسنه ای وجود نمیداشت بلکه همین دهقانان ما خود از مرفه ترین قشر جامعه و بزرگترین صادر کننده گان مواد غذایی به کشور های خارجی میبودند، با آنکه احصاییه معینی در زمینه وجود ندارد حدودی بیش از ۷۵ % مردم ما در روستا ها زنده گی دارند که بخش اعظم شان از طریق کشاورزی

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

ومالداری امرار حیات میکنند و به این ترتیب بخش اعظم درآمد کشور از سکتور زراعت تمویل میگردد و اگر این سکتور شگوفاً باشد یعنی کشور شگوفان گشته و همچنان زنده گی روستا ها ی کشور شگوفان میگردد. اگر دهقانان ما بر پایه منافع ملی با رسالتندی به زراعت در کشور مشغول گردند این خود مشوق سرمایه داران و شرکت ها در سرمایه گذاری های بزرگ در این سکتور گردیده و زارع ما از بهترین تکنالوژی زراعتی برخوردار میگردد. کشاورزان ما نباید چشم به آسمان دوخته منتظر سرنوشت قضا و قدر بمانند، در گام نخست آنچه از همه اولتر و مهمتر برای دگرگونی مفید وضعیت دهقانان و بلند رفتن تولیدات زراعتی و بهبود این سکتور میگردد با سواد شدن و ارتقا سطح آگاهی کشاورزان ما از زنده گی، معیشت و امور فنی کشاورزی مدرن میباشد. درگام بعدی کشاورزان ما با احساس مسؤولیت پذیری توسعه و عمران روستا ها را مد نظر داشته باشند. برای اینکار لازم می افتد تا اراضی زراعتی را هموار و یکپارچه ساخته راه های بین مزارع و باغات را برای تردد خود و وسایل زراعتی بصورت فنی و آینده نگری پخته کاری و راه های جدید احداث کنند. و احداث کانال و مجرا های آبی برای بهبود بهره گیری از آب برای زراعت نیز در همین راستا از اهمیت فراوان برخوردار میباشد و هر کدام از دهقانان ما برنامه و اهداف ارتقای سطح تولید زراعتی و همزمان انکشاف دامداری را تا سرحد بالا تر از نیاز های داخلی رسانیده و برای صادرات تولیدات زراعتی و دامداری برنامه ریزی داشته باشند. دهقانان ما باید بهره برداری و استفاده از فنون پیشرفته کشاورزی و طریقه های زراعت و مالداری موثر و مفید در شرایط اقلیمی و جغرافیایی ساحات مورد نظر را فرا بگیرند آنها در این عرصه مسؤولیت دارند و این مسله بایست به درک شان تبدیل گردد.

با صراحت اذعان میدارم در کشور ما که بیشترین اقتصاد ما وابسته به زراعت و تولیدات زراعتی میباشد بدون مکانیزه ساختن زراعت، اصلاح و بهبود سیستم آبیاری، جاگزینی تکنالوژی و فنون پیشرفته زراعتی و انرژی ماشینی در عوض سیستم بدوی دهقانی و انرژی انسانی و حیوانی و بهبود همه ساختار های زراعتی و آبیاری، ارتقای سطح معیشت قرأ و قصبات و رفاه همگانی مقدر و میسر نمیگردد.

برای تحقق این امر لازم است تا کشاورزان ما اول با سواد گردند تا دستور العمل های زراعتی، مالداری و آبیاری را خود مطالعه کرده بتوانند و فرا گیرند که چگونه با آفات طبیعی مجادله کرد، چگونه با وضعیت جوی مجادله کرده و محصولات خویش را در امان نگهداشت، چگونه در هر فصل سال از زمین بالا ترین محصول را برداشت و چگونه سبز خانه و سیستم آبیاری کم هزینه یا آبیاری قطره ای را جاگزین سیستم های پر هزینه زراعتی کرد. ولی متأسفانه با وصف چنین پوتانسیل و امکانات بزرگ مادی و معنوی میبینیم دهقانان و روستا های کشور در چه وضع رقت بار، قهقرا، و قرون وستایی زندگی داشته و از کمترین امکان برای زندگی بدوی برخوردار اند.

چون این سکتور نقش بزرگ در اقتصاد کل کشور دارد بناً همه کشور در این رنج تباه کن سهیم بوده آرامش ندارند. در حقیقت امر حمایت مادی و معنوی حکومت در عرصه زراعت از الویت های بی قید و شرط اداره و رهبری میباشد که آنرا در جایش به توضیح میگیرم، اما دهقانان خود باید احساس مسؤولیت کرده و به این آگاهی برسند که در قبال حرفه، خانواده و مردم کشور شان چه مکلفیت هایی دارند و چگونه میتوانند زندگی خود و ماحول شان را بهبود بخشند. نا گفته نباید گذاشت و با تأسف فراوان که این وضعیت بی ثبات اقتصادی در روستا ها دهقانان کم سواد و بی سداد ما را منززل و بی ثبات ساخته است. که در این اواخر عده از آنها دانسته و یا ندانسته به کارگران زراعتی باند های مافیایی برای تولید مواد مخدر تبدیل گردیده اند. که بنابر وفرت و کثرت این ماده مخدر خانمان سوز و خانمان برانداز یک رقم درشت از هموطنان ما معتاد گردیده و خطر بزرگی همه کشور را تهدید میکند و مشکلی نوی را بر انبوه مشکلات عدیده دیگر افزوده است که همچنان در جایش زیر عنوان تولید و ترافیک مواد مخدر توضیح میدارم.

## بازرگانان، سرمایه داران و اهل فن و حرفه

از تاجران، سرمایه داران و اهل کسبه بگویم، اگر تاجران و اهل کسبه ما پیوسته به این می اندیشیدند که این منافع همگانی است که منافع آنها را تأمین میکند، اگر مردم قدرت خرید نداشته باشند پس آنها برای امتعه تولیدی و تورییدی خویش از کجا مشتری و یا خریدار دست و پا میکنند. اگر بازار فروش شان افغانستان و مشتریان شان شهروندان افغانستان است پس باید به این فکر باشند که در گام نخست تولیدات داخلی اعم از تولید صنعتی و زراعتی جایگاه و مقام ارشد در مارکیت ویا بازار داشته باشد و نباید این تولیدات را که هنوز خیلی نو پا است در برابر رقابت غول های اقتصادی جهان قرار داد و خفه کرد، در گامهای بعدی پول شهروندان کشور در جایی صرف شود که ضرورت های مریم زنده گی آنها را برآورده میسازد. تاجران و سرمایه داران ما بایست مسؤلانه در عرصه تولید و تورییدی منافع ملی را در نظر بگیرند. آنها مسؤلانه در باره همه عرصه های تولیدی و مصرفی اصل منافع ملی را در نظر داشته باشند. در نتیجه عملکرد این قشر است که فاصله بین فقر و رفاه در جامعه معین میگردد، آنها بایست فرا میگرفتند که سرمایه تنها بازار نیست که تولید و یا تورییدی کرد و فروخت، سرمایه یعنی رابطه اقتصاد با اجتماع، سرمایه یعنی رابطه اقتصاد با رفاه، سرمایه یعنی رابطه اقتصاد با سیاست و امور اداره و همچنان آنها هستند که رفاه همگانی را در جامعه مسؤلیت دارند. با سرمایه گذاری سالم، صادرات و واردات قانونمند و علماً تنظیم شده میتوانند اشتغال زایی و محلات کار مناسب ایجاد کنند و صد ها مشکل این کشور را منجمله بیکاری را حل و فصل کنند و توسعه پایدار اقتصادی، اقتصاد منسجم و مستحکم تر از گذشته را در کشور تضمین کنند. آنها هستند که با سرمایه گذاری های خویش در عرصه های مختلف و متنوع اقتصادی اعم از تولید صنعتی، تولید زراعتی، واردات، صادرات، گردشگری و سایر عرصه های اقتصادی اقتصاد ملی غیر وابسته به خارج را تضمین کنند.

به قول اقتصاد دانان پیروان آدام سمیت و سایر اقتصاددانان پایه گذار مکتب کلاسیک هر ملتی قادر است که در تولید یک یا چند کالا در سطح بین المللی از نظر هزینه برتری نسبی پیدا کند. در نتیجه آنها می توانند همچنان برتری خود را حفظ کرده و از طریق مبادله آن با سایر کالاها و خدمات مورد نیاز خود، به آن دسته از کالاها و خدمات دست یابد که برای رشد اقتصادی ضروری است، که افغانستان خوشبختانه اقلام فراوان تولیدی و معادن منحصر به فرد دارد که در صورت سرمایه گذاری قانونمند در آن میتوان نقش به سزایی در مارکیت جهانی ایفا کرد و کشور را از وابستگی اقتصادی به خارج در امان نگهداشت. البته که قوانین کشور نقش ارزنده و بسزایی خود را ایفا میکند اما این قشر است که جیب های مردم را اداره و رهبری میکنند. اگر اینها بر پایه منافع ملی بیاندیشند و نگذارند که پول دسترنج و حاصل زحمت مردم صرف امتعه غیرضروری گردد و در پروسه سرمایه گذاری، تولید و تورییدی اصل رفاه عامه و شگوفایی کشور مطمع نظر شان باشد یقیناً کشور به رفاهیت میرسد. اگر هر شهروند ما در ماه یک افغانی را بیجا صرف کند در سطح کشور به ماه سی میلیون افغانی و در سال سیصدوشصت میلیون افغانی بالغ میگردد و اگر این رقم در میان مردم به هر اندازه ایی که بالا برود ببینید که چه فاجعه برپا میگردد، بصورت علمی به این مسئله نگاه کنید هر پول ضرری که به یکی از شهروندان کشور برسد مستقیماً متناسب است به ضرر همگانی در مقیاس کل کشور، این مسئله به فهم همگانی بایست بدل گردد. صنعتگران، تاجران، خرده مالکین، دوکانداران، اهل کسبه و دوره گردان باید به این درک ملی برسند و یا بهتر بگویم دقیقاً این را درک کنند که همه تأسیسات عام المنفعه و رفاه همگانی چون تأسیسات صحتی و مراقبتی، تأسیسات خدمات اجتماعی، ارگانهای تأمین نظم عامه و دفاعی، بند و انهار، شاهراه ها و جاده ها، شهر ها و قریه ها همه و همه از طریق بودجه بیت المال بایست تمویل گردد و بودجه بیت المال از طریق مالیه ها و تادیه های عموم مردم تأمین میگردد. پس در عوض اینکه از مالیه دهی فرار کنند و به ارزش ده ها مرتبه بالاتر از مبالغ ونورم هایی تعیین شده مالیه را بصورت رشوه و جرایم به اشخاص و مراجعی بپردازند که منافع اشخاص را تأمین میکند نه منافع ملی را پس بایست خود هرکدام از مشوقین پرداخت مالیات بوده و متخلف را همچو ناقض و غاصب منافع ملی به پنجه قانون بسپارند و نگذارند این شاه رگ های منافع و رفاه ملی حیف ومیل گردد. آنها که دارنده گان بخش بزرگی از ثروت مادی کشور اند این درک را داشته باشند که سهمی بزرگی را در رفاه کشور هم آنها باید داشته باشند. سرمایه داران در سرمایه گذاری هایشان خود صاحب اختیار اند اما سرمایه گذاری درسکتور های صنایع، زراعت، مالداری و آب در داخل کشور که از یکطرف باعث ایجاد محلات جدیدکار برای هموطنان شان میگرددند از جانب دیگر در چوکات قوانین کشور حکومت و اتحادیه های کارگری و صنفی ضمانت مطمئن برای حفظ سرمایه هایشان میباشد. در حالیکه در خارج از کشور از چنین امتیازی برخوردار نبوده و هر آن احتمال آن میرود که سرمایه هایشان دستخوش معاملات سیاسی و حوادث بین المللی گردد. اگر کمی دقت بخرچ داده و سرنوشت سرمایه داران و تاجران صده

متأخر ما را به کاوش بگیریم از میان آنهاييکه بنا بر هر عاملی افغانستان را وطن خویش ندانسته و سرمایه هایشان را به خارج از کشور منتقل کردند یکی را نمی یابید که خود و یا اخلاف شان از مایحصل سرمایه های منتقل گشته زنده گی مرفه داشته باشند. طریقه برخورد در همه جهان بر پایه منافع ملی استوار است آنها به یک دینار، قروش، سنت و یا کپییک خود اجازه نمیدهند تا به جیب اجنبی برود. اگر این تاجران و سرمایه داران این سرمایه ها را در سکتور های اقتصادی کشور خود سرمایه گذاری میکردند نه تنها کارگر، دهقان و اولاد کشور خود شان به کار گماشته میشد و در رفاه زنده گی میکرد بلکه آسیب پذیری های جامعه را سد میکردیدند و این امر ثبات را در جامعه متضمن میگشت و خود نیز با فخر و افتخارات بزرگ در کشور خود زنده گی کرده و نام نیک کمایی میکردند. نمیتوان انکار کرد که در شرایط موجود و تا زمان خود کفایی کشور عزیز ما افغانستان به کمک های خارجی نیازمندیم ولی بایست این کمک ها هم از جانب حکومت و هم از جانب مشمولین سکتور صنایع، زراعت، مالداري، آبیاری و تجارت در عرصه های سود آور ملی مورد استفاده قرار گیرد و برای بهبود وضعیت صحت عامه، تعلیم و تربیه، خانه سازی و مسکن و سکتور استهلاکی پروژه های عام المنفعه به منصفه اجرا قرار داده شود. ( پایان قسمت دوازدهم )

ادامه دارد